

## یادداشت

## ریکاری با اراده دولت بایدن؟



جلال خوش چهره  
تحلیلگر مسائل بین الملل

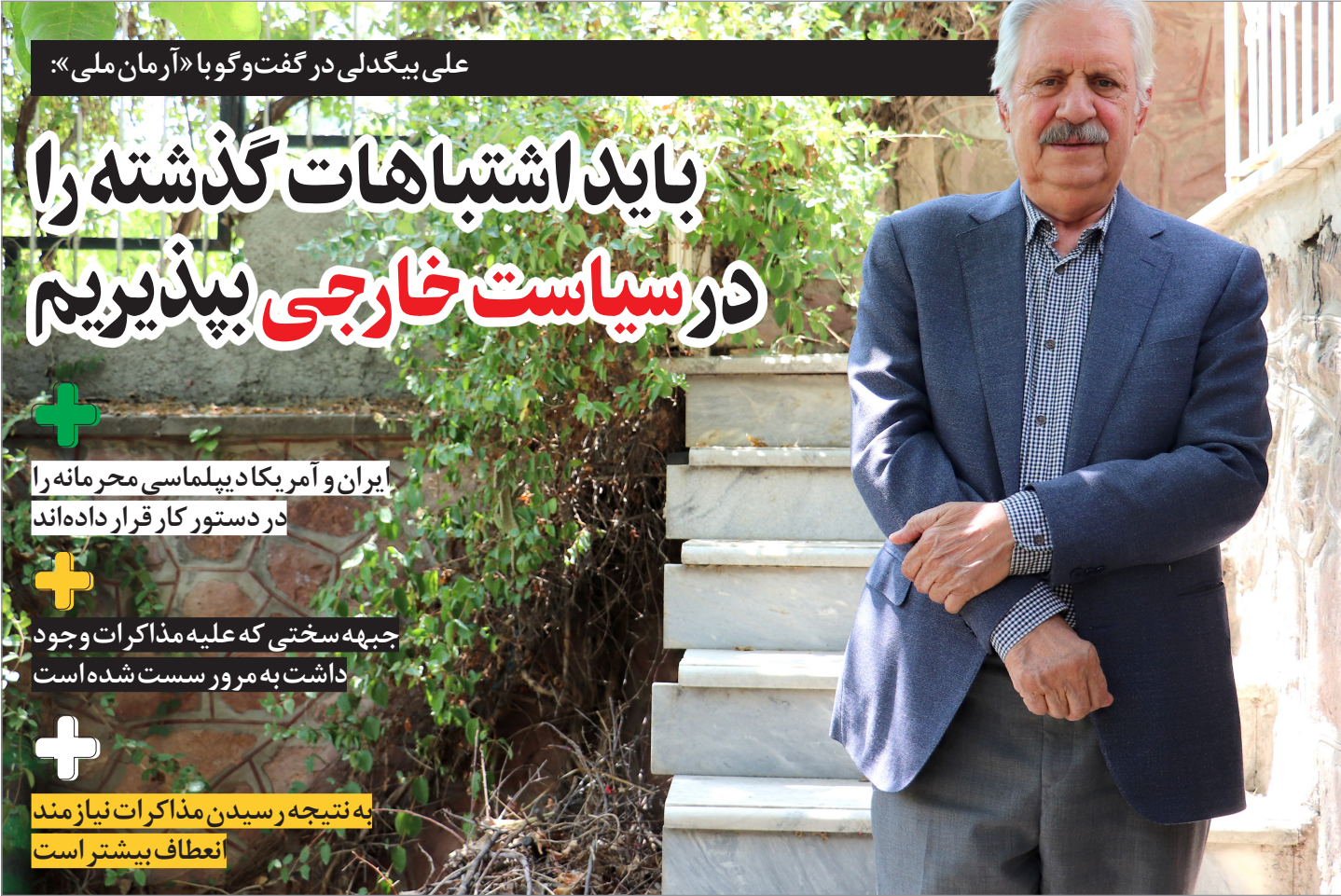
تهران و واشنگتن تصویر مغشوش از توافق میان خود به نمایش گذاشته‌اند. از یک‌سو، سرانجام آزادسازی پول‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی به بانک‌های قطر واپر شد و زندانیان دو طرف مبادله شدند. از سوی دیگر، طرف‌ها در میادین مختلف از جمله ازانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و آب‌های خلیج فارس همچنان به یکدیگر چنگ و دندان نشان می‌دهند. طرفه‌ایکنه مقام‌های آمریکایی حتی برای چگونگی هزینه‌کرد پول‌های آزاد شده ایران در بانک‌های قطر، تعیین تکلیف می‌کنند. «جان کری» هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی کاخ سفید، چهارشنبه گذشته در کنفرانس خبری خود گفته است: «این وجوه اکنون در مقایسه با زمانی که در کره جنوبی بودند، مشمول محدودیت‌های قانونی بیشتری خواهند بود و ایالات متحده بر هزینه‌کرد آنها نظارت می‌کند.» او پارافتر گذشته و مدعی شده: «اینکه این پول‌ها کجا می‌روند و برای چه هدفی هزینه می‌شوند، مورد نظارت ایالات متحده قرار خواهد داشت. پس اگر ایران تلاش کند وجوه را منحرف کند، ما اقدام کرده و دوباره دسترسی ایران به این پول‌ها را مسدود خواهیم کرد.» آیا این اظهارات، اقدامی نمایشی و ریاکارانه از سوی واشنگتن است یا به راستی توافق جاری بر بستری از شن بنا شده است؟ بی‌تردید آنچه رخ داده، یک گام به پیش برای تعدیل روابط بر تنش تهران - واشنگتن است. این تنش، سال‌هاست که به طور گسترده بر روابط خارجی تهران با جامعه جهانی و به‌ویژه اتحادیه اروپا سایه دارد. با این حال زد هنگام خواهد بود آنچه رخ داده را بیش از یک گام عطفی برای کنترل تنش و آرام کردن اوضاع؛ حتی به گونه تاکتیکی تفسیر کرد. اگر چه نمی‌توان رویکرد واقع‌گرایانه وزارت امور خارجه را با وجود همه فشارهای ناشی از نگرش‌های افراطی و بعضاً کاسبکارانه مقابل انجام این توافق، از نظر دور داشت، اما گستره اختلاف‌ها و خطر نزدیک شدن آن به «قطعه جوش» هنوز به اندازه‌های هست که برای عبور از آنها به اراده‌های همسو نیاز باشد. همین دو روز گذشته و در آستانه اجرای توافق، متنی را روزنامه انگلیسی زبان «تهران تایمز» چاپ تهران منتشر کرد که به تدریج درباره دنباله‌دار بودن وضع آرام کنونی می‌افزاید. این نشریه انگلیسی زبان که به برخی از فایل‌های صوتی مقام‌های آمریکایی دسترسی یافته و درستی متن‌های سابق در این باره نیز مورد تأیید مقام‌های آمریکایی قرار گرفته، متن فایل صوتی «برت مک گرک» نماینده دولت «جو بایدن» را با ژان تاب داده است. او در یکی از جلسات در محل آن گفته نشده اظهار داشته است: «طرح واقعی» دولت بایدن در قبال ایران، همان «پلن بی» است. مدیر خاورمیانه و شمال آفریقای شورای امنیت ملی آمریکا در باره احیای برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به برجام ابراز تردید می‌کند. او به اختلافات با اسرائیلی‌ها در باره بازگشت به برجام به شکل سابق با توجیه آن و نیز گزینش‌های ممکن اشاره می‌کند. مک‌گرک می‌گوید با توجه به احتمال ضعیف‌احیای برجام، باید به سمت «پلن بی» یا گزینه جایگزین رفت که به معنی انزوای دیپلماتیک، تحریم، اقدام نظامی و خرابکارانه است. اگر چه مقام‌های دولت آمریکا هنوز در این باره واکنش نشان نداده‌اند، اما در صورت درستی سندن این فایل، می‌توان چشم‌اندازی از آنچه دولت کنونی ایالات متحده در برابر تهران دنبال می‌کند را گمان کرد. مهم‌ترین نکته واشنگتن در همپایی با ترویپکای اروپایی و ۶۲ امضا کننده بیانیه‌های نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، عقب‌نشست و هر آنچه که تأیید کرد که مدعیان منتشر کردند. این همپایی در واقع حمایت از آژانس هسته‌ای در بروز اختلافات تازش با تهران معنا می‌دهد. آیا به راستی واشنگتن، توافق تازه را نوعی «آتش‌بس موقت» برای خرید زمان و در خدمت به فرصت‌های موقعیت ساز آینده تعبیر می‌کند؟ برای نامیابی ریاکارانه است که می‌خواهد مخالفان آتشین هر گونه توافق با تهران را به سکوت وادار؟ ریاکاری، این روزها نزد دولتمردان اروپایی نیز سکه است. آنان برخلاف آنچه در افواه درباره سیاست‌های تهران می‌گویند، بسیار متفاوت از آنچه است که در حال عمل به این امر است. دربار ایران از این باره سوتنیدی نیست. ممکن است در وقت لزوم تهران ریاکاری‌ها را به زبان آورد؛ اگر به راستی چنین باشد، ریاکاری اراده‌غریب برای عبور از تنش‌های خشم‌آلود؟ تفاوت نمی‌کند. لازم است تهران دستور کار خود را بر بستری از واقعیت‌ها تعریف کرده و بهترند از فرصت‌های بازگشت به جامعه جهانی شود. این امر ممکن نیست، مگر ایده‌های قدرتمند جایگزین رویکردهایی شود که تا پیش از این ناکارآمدی خود را به اشکال مختلف نشان داده است. مهم‌ترین اقدام، به دست گرفتن ابتکار عمل به عنوان یک متغیر تأثیرگذار به جای تأثیر شدن در قبال حوادثی است که به آن تحمیل می‌شود. اینکته واشنگتن به راستی در بی‌کاستی از تنش‌ها و عبور از «پلن بی» به «پلن سی» یا همان «توافق گام به گام» است یا اجرای «پلن بی» همچنان و با پیچیدگی‌هایش در دستور کار باقی مانده، مربوط به طرف مقابل است. مهم این است که تهران چگونه می‌خواهد اوضاع پیش‌رو را مدیریت کند. سرخوشی به دستاوردهای محدود، ضامن دستاوردهای بعدی نخواهد بود اگر اراده و ایجاد یکدستی در رویکردها وجود نداشته باشد. وزارت امور خارجه استعداد خود را در نگرش واقع‌گرایانه بروز داده است. لازم است آن را در برابر یک فهمان اصول حاکم در روابط خارجی حمایت کرد. واقعیت این است که تهران واشنگتن به دلایل مختلف، تصویر مغشوشی از تعاملات و توافقی پیدا و پنهان را میان خود به نمایش گذاشته‌اند. راستی آزمایی اراده واشنگتن با وجود نشانه‌های متعارض، سخت است. تهران در این باره چه در سراسر؟

## دریچه

جعفر قنادباشی:

## آمریکایی‌ها چاره دیگری جز پذیرش انتقال زندانیان نداشتند

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل اظهار داشت: قطع کنونی دوران انتقالی در روابط ایران و آمریکا است. آمریکایی‌ها در مواجهه با ایران از هر اقدام تهاجمی استفاده کردند اما نتیجه نگرفتند و حالا برای باز نگه‌داشتن مسیر دیپلماتی پذیرفته‌اند که زندانیان دو کشور مبادله شوند. از سوی دیگر پول‌های بلوکه‌شده ایران در کره جنوبی هم با دستور آمریکا آزاد شد که این هم نشانه دیگری از ضعف آمریکا در برابر ایران است. آمریکا در مواجهه با ایران چاره‌ای نداشت جز این مسیر و اکنون در مرحله‌ای تازه ایران کشور قرار داریم. جعفر قنادباشی گفت: آمریکایی‌ها نگران باخت‌های بیشتر در برابر ایران بودند. آنها تصور نمی‌کردند ایران بتواند در شانگهای با رییس‌خمس شود و آن هم عضو ثابت تصمیم‌گیر برای آمریکایی‌ها مهم است که بتوانند همچنان باب دیپلماتی با ایران را باز نگه‌دارند. آنها هیچ گزینه دیگری ندارند و تمام اهرم‌های فشارشان از کار افتاده است. وی افزود: آمریکایی‌ها از هر ابزاری که داشتند استفاده کردند، اما این نتیجه نداشتند و حالا تصور می‌کنند تبادل زندانیان تنها گزینه‌ای است که می‌تواند ارتباط حداقلی با ایران را حفظ کند. آنها به اهمیت و جایگاه نفتی و گازی ایران واقفند و در این مسیر هم نمی‌توانند مناسبات بعد از پیدایش جنگ اوکراین را نادیده بگیرند. با این اوصاف راه تبادل زندانیان را در پیش گرفته‌اند تا تاب دیپلماتی به ویژه در حوزه مذاکرات هسته‌ای بسته نشود.



علی بیگدلی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

## باید اشتباهات گذشته را در سیاست خارجی بپذیریم

ایران و آمریکا دیپلماسی محرمانه را در دستور کار قرار داده‌اند

جبهه سختی که علیه مذاکرات وجود داشت به مرور سست شده است

به نتیجه رسیدن مذاکرات نیازمند انعطاف بیشتر است

**آرمان ملی - احسان انصاری:** «مستولان جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند که ادامه این وضعیت (تحریم‌ها) نمی‌تواند به سود کشور باشد و باید تغییر کند. به همین دلیل به دنبال این هستند که با یک دیپلماسی نرم‌تری مذاکرات را ادامه دهند. در شرایط کنونی ایران با تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه است که باید این تهدیدات را جدی گرفت. این در حالی است که آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است شرایط داخلی و وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم است. واقعیت این است که ادامه این وضعیت در بلندمدت امکان‌پذیر نیست و مقامات کشور باید تصمیمات جدیدی بگیرند که شرایط موجود را تغییر بدهد.» جملات ذکر شده اظهارات دکتر علی بیگدلی، تحلیلگر روابط بین‌الملل درباره اتفاقات اخیر بین ایران و آمریکا است. بیگدلی در این گفت‌وگو به مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی دو کشور اشاره کرده که در ادامه می‌خوانید.

یک برنامه منسجم و راهبردی در سیاست خارجی است. برخی از مسئولان در اتاق خود تصمیماتی می‌گیرند که با موازین بین‌المللی و حقوق بین‌الملل همخوانی ندارد. ما باید بپذیریم که مشکلات اقتصادی کشور بدون برداشته شدن تحریم‌ها حل‌شدنی نیست. ما نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی هستیم و تا زمانی که این اتفاق رخ ندهد نمی‌توان نسبت به برطرف شدن مشکلات خوشبین بود.

اتفاقات اخیر و تبادل زندانیان به چه میزان در تغییر رویکرد ایران و آمریکا تأثیرگذار بوده است؟

در شرایط کنونی ایران و آمریکا در حال انجام یک نوع دیپلماسی محرمانه هستند. در این زمینه نیز برخی کشورها نقش واسطه را بازی می‌کنند. توصیه من به مسئولان تصمیم‌گیر جامعه این است که ما حتی اگر بتوانیم یک روز نیز زودتر تحریم‌ها را برداریم به سود اقتصادی کشور خواهد بود. در انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا به احتمال زیاد بایدن دوباره به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب خواهد شد و در نتیجه شانس جمهوری خواهان برای ریاست جمهوری بیشتر خواهد شد. در شرایط کنونی ایران و آمریکا راهی به‌جز مذاکره برای برطرف کردن مشکلات خود ندارند. به همین دلیل تصمیم هر دو طرف این است که مشکلات خود را از طریق مذاکره حل کنند. ما تنها زمانی می‌توانیم در مذاکرات به نتیجه برسیم که با یک دیپلماسی منسجم و انعطاف‌پذیر وارد مذاکرات شویم. بدون تردید با این انتظار که همه تحریم‌ها باید برداشته شود تا ایران به تعهدات برجامی خود عمل کند مذاکرات به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. هدف رئیسی این است که با اتکا به منابع داخلی به اقتصاد کشور سامان بدهد. این تفکر فعلاً امکان تحقق ندارد و اقتصاد فعلی ما به این سادگی احیا نمی‌شود. به خاطر عدم امنیت سرمایه‌گذاری سرمایه‌ای حتی از سوی ایرانیان خارج از کشور وارد ایران نشده است. در این میان یک نکته وجود دارد و آن این است که دولت جدید و تیم مذاکره‌کننده آن به دلیل اینکه درگیر در کانون‌های قدرت جناح راست هستند ممکن است موقعیت را از دست بدهند و به همین دلیل تیم مذاکره‌کننده ما بیش از آنکه دلاویسی و بی‌قرار مذاکرات باشد، پاسخگوی کانون‌های قدرت در داخل کشور است و همین امر نیز سبب شده که حصول توافق به تأخیر بیفتد.

آیا چنین درکی به وجود آمده است؟

بدون تردید چاره‌ای جز رفع مشکلات بین‌المللی از طریق مذاکره وجود نخواهد داشت. دولت سیزدهم و تیم مذاکره‌کننده کنونی ایران از جمله کسانی بودند که در دولت روحانی مخالف سرسخت هر گونه مذاکره بودند. با این وجود امروز که خود آنها مدیریت کشور را به دست گرفته‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که چاره‌ای به‌جز مذاکره وجود ندارد. این مسائل نشان می‌دهد که جبهه سختی که در گذشته علیه مذاکرات وجود داشت به مرور زمان سست شده و رویکرد دیگری در پیش گرفته است. این گروه به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ کشوری نمی‌تواند اقتصاد ایران را احیا کند و به همین دلیل لازم است ایران با مذاکره با کشورهای غربی شرایط را تغییر دهد. به‌رحال باید این واقعیت را پذیرفت که تحریم‌کننده اصلی ایران آمریکا است و اگر ما می‌خواهیم تحریم‌ها برداشته شود باید به سمتی حرکت کنیم که با آمریکا مذاکره کنیم. در برجام سال ۲۰۱۵ که به نتیجه رسید آقای ظریف و جان کری به صورت مستقیم با هم گفت‌وگو و مذاکره کردند و همین موضوع باعث شد مشکلات کاهش پیدا کند و در نهایت مذاکرات به نتیجه برسد. این در حالی است که دولت سیزدهم فاقد

در شرایط کنونی ایران و آمریکا در حال انجام یک نوع دیپلماسی محرمانه هستند. در این زمینه نیز برخی کشورها نقش واسطه را بازی می‌کنند. توصیه من به مسئولان تصمیم‌گیر جامعه این است که ما حتی اگر بتوانیم یک روز نیز زودتر تحریم‌ها را برداریم به سود اقتصادی کشور خواهد بود. در انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا به احتمال زیاد بایدن دوباره به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب خواهد شد و در نتیجه شانس جمهوری خواهان برای ریاست جمهوری بیشتر خواهد شد

## نگره

## روحانی جای آیتا... هاشمی را برمی‌کند؟

ششمین مجلس خبرگان سال آینده تشکیل و انتخابات اسفندماه امسال برگزار خواهد شد؛ انتخاباتی که هم‌زمان با انتخابات مجلس دوازدهم برگزار می‌شود. با وجود اینکه روزهای نخست اسفندماه این دو انتخابات قرار است برگزار شود، اما نگاه‌ها و حواس‌ها بیشتر معطوف به انتخابات مجلس شورای اسلامی است و به انتخابات مجلس خبرگان آنچنان پرداخته نمی‌شود. شاید یک دلیل این باشد که شمولیت مجلس شورای اسلامی بیشتر است. دلیل دیگری که می‌توان متصور شد، گروه‌ها و دسته‌بندی‌های سیاسی است که در این دو انتخابات شرکت دارند که گروه‌های سیاسی در انتخابات مجلس شورای اسلامی نسبت به جناح‌بندی‌های حاضر برای مجلس خبرگان بسیار شناخته شده‌تر هستند. در مجلس طیف قالیباف، اصلاح‌طلبان، جبهه پایداری و اعتدالیون گروه‌هایی هستند که مردم روزانه خبرهایی درباره آن‌ها می‌شنوند و می‌خوانند، اما هر چند آیدنولوژی حاکم بر گروه‌های سیاسی مجلسی را در جناح‌بندی‌های خبرگان هم مشاهده می‌شوند، اما آنها با نام‌هایی غیر از آنها شناخته می‌شوند؛ جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه، طیف هواداران مصباح‌زادی، مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه و مجمع روحانیون مبارز معروف‌ترین جناح‌های سیاسی حاضر در خبرگان هستند.

تئور گرم می‌شود؟

هر چند انتخابات مجلس هنوز تب و تاب زیادی نگرفته، اما تئور انتخابات مجلس خبرگان همان اندازه مجلس هم گرم نشده است. مشخص نیست که گروه‌های سیاسی چرا هنوز اظهار نظر خاصی درباره صفتبندی‌های مجلس خبرگان بیان نکرده‌اند. برخی دلیل این امر را، فضای سیاسی حاکم بر خبرگان می‌دانند که تقریباً یکدست است. در بین جناح‌های سیاسی حاضر در خبرگان، مجمع روحانیون مبارز در صحنه سیاست به نام اصلاح‌طلبان شناخته می‌شوند. آنها در خبرگان فعلی که انتخابات آن اسفند ۱۳۹۴ برگزار شد، توانستند تعدادی از نمایندگان خود را راهی خبرگان کنند، اما از این طیف هم برای انتخابات آتی هنوز خبری نیست و حتی گمانه‌زنی‌های زیادی هم درباره حضور چهره‌های منتسب به اصلاح‌طلبان و اعتدالیون، شنیده نشده است.

روحانی جای هاشمی رفسنجانی را بر می‌کند؟

از سوی دیگر انتخابات این دوره غایبان زیاد و سرشناسی دارد که بر گرم شدن تئور آن تأثیر بسزایی خواهد داشت. جایی هاشمی رفسنجانی، محمدزیدی و محمدتقی مصباح‌زادی سه غایب بزرگ انتخابات مجلس خبرگان در این دوره هستند، اما در غیاب آن‌ها هستند افرادی که بتوانند نبود این چهره‌ها را پوشش بدهند. حسن روحانی که بسیاری او را به لحاظ همراهی بلندمدت با هاشمی رفسنجانی می‌شناسند، یکی از این چهره‌هاست. او احتمالاً یکی از چهره‌های سرشناس فهرست اصلاح‌طلبان و اعتدالیون خواهد بود. هر چند که عضو مجمع روحانیون مبارز نیست و از اعضای شکل محافظه‌کار جامعه روحانیت مبارز است. اما اسامی هاست که تقریباً دیگر ارتباط انگیزی با جامعه روحانیت ندارد.

سیدحسن خمینی نماد یک فهرست؟

فرد دیگری که هر از چندگاهی نام او برای خبرگان طرح می‌شود، سید حسن خمینی است. او در انتخابات خبرگان قبلی برای تأیید صلاحیت دعوت به آزمون علمی شد که با عدم شرکت در آن آزمون، صلاحیتش نیز برای نامزد شدن در این انتخابات از دست رفت. حالا برخی از حضور او در رقابت‌های خبرگان امسال سخن می‌گویند. محمدرضا باهنر دبیر کل جامعه اسلامی مهندسی‌در گفت‌وگویی تأیید کرده که «اگر سید حسن خمینی به انتخابات بیاید و در انتخابات بماند، قاعدتاً لیستی بیرون خواهد آمد که نماد آن لیست، سید حسن خمینی می‌شود و طبیعتاً است که در آن لیست، آقای روحانی هم خواهد بود.» رقابتی که خیلی جدی خواهد بود. همان‌طور که روحانی است که بسیاری از ناظران هم در ارتباط با خبرگان رهبری ششم، بر آن عقیده دارند، چرا که علاوه بر غیرت سه‌چهره به‌ویژه هاشمی رفسنجانی، این انتخابات در حاشیه انتخابات مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است. در عین حال اصلاح‌طلبان و اعتدالیون احتمالاً نسبت به این انتخابات بی‌اعتنا نخواهند بود، چرا که آنها قائل به مشارکت هستند و نمی‌خواهند این روزنه را برای خود ببندند. از سوی دیگر مجلس خبرگان با توجه به وظایف محوله در قانون اساسی، از اهمیت بالایی برخوردار است. رئیس این مجلس در حال حاضر آیتا... احمد جنتی دبیر ۹۷ ساله شورای نگهبان است. با توجه به سن و سال جنتی، او هم مشخص نیست که در این انتخابات شرکت می‌کند یا خیر. با این حال طیف روحانیون راست‌گرا یا اصطلاحاً صلواتگرا همواره در خبرگان دست بالا را داشته‌اند و انتظار هم نمی‌رود که این ترکیب دستخوش تغییرات چشمگیری شود. چرا که روحانیون بر نفوذ حاضر در مجلس خبرگان، همگی در بخش‌های مهم نظام مشغول به کار هستند و جایگزینی آن‌ها به همین راحتی نیست، اما اگر محمدزیدی و محمدزیدی زنده بودند، قاعدتاً نام‌زدهای این دوره خبرگان می‌شدند و به احتمال بسیار قوی راهی مجلس نیز می‌شدند؛ چرا که فضای سیاسی حاکم در سال ۱۴۰۲ یا فضای سیاسی سال ۱۳۹۴ بسیار متفاوت است.

روحانیون نوگرا به خبرگان می‌روند؟

انتخابات مجلس خبرگان سال ۱۴۰۲ می‌تواند محله‌ای برای ظهور و بروز برخی روحانیون جوانتر و بعضاً نوگرا باشد. نیرویی که می‌تواند فضای سرد انتخابات را بشکند و حتی نگاه‌ها را به سمت لیست‌های انتخاباتی جلب کند. از سوی دیگر حضور روحانیون جوان‌تر در مجلس خبرگان سایه بر خواهد افتاد. از این نگاه مهم سیاسی را نیز بر خواهد داشت. چه آنکه طی چند انتخابات اخیر سن برخی کاندیداها محل نقد و انتقاد رسانه‌ای و سیاسی بوده است و بارها بر ضرورت حضور طیف جدید از روحانیون در فضای مجلس خبرگان تأکید شده است.